

پیرمردی که باکوسه می‌جنگید

امروز به ارنست همینگوی و به خصوص رمان «پیرمرد و دریا»ی او پرداخته‌ایم و جالب این‌که کیهان بهمنی هم که در مراسم رونمایی ترجمه‌اش از رمان «گشتن عمه‌خانم» نوشته آندری بورسا حاضر شده بوده و وقتی درباره اولین کتابی که خوانده یا برایش خوانده‌اند حرف می‌زده، به این رمان اشاره کرد.

او گفته: «من از کودکی تحت تاثیر عموی ناتنی خود دکتر عباس آذرین بودم که ایشان کار ترجمه انجام می‌دادند. در کنار این پدرم کتابخانه بزرگی داشتند که عشق من آن کتاب‌ها بوده و بسیار در کتابخوانی من موثر بودند. مثلاً اولین بار زمانی عاشق همینگوی شدم که دیدم پیرمردی روی جلد يك كتاب دارد با يك كوسه می‌جنگد.

اینها عواملی بود که مرا از همان کودکی و نوجوانی با جذایب‌های دنیای ادبیات آشنا کرد و به من نشان داد که دنیایی به‌جز این دنیا هم وجود دارد؛ دنیاهایی که راحت می‌توان با آنها ارتباط برقرار کرد، دنیایی که در کتاب «ایله» هست، در کتاب «جنگ و صلح» هست، دنیاهایی که به‌احتی می‌توانستیم برای فرار از زندگی دوره دهه ۴۰ که بسیار دوره سختی بود به آنها پناه ببریم.»

بهمنی درباره چگونگی شروع کار ترجمه هم گفته؛ من اواخر دوره فوق‌لیسانس ترجمه کتاب را شروع کردم. با توجه به علاقه‌ام به آثار همینگوی، ترجمه را هم با نمایشنامه «ستون پنجم» همینگوی آغاز کردم که تا آن زمان ترجمه نشده بود.

پیش از آن داستان‌های کوتاه بسیاری ترجمه کرده بودم که هیچ‌وقت منتشرشان نکردم، اما ترجمه ستون پنجم سال ۸۲ در نشر افراز منتشر شد و تا به امروز به‌طور رسمی ۳۰ عنوان کتاب چاپ شده دارم.

سفر مترجم ایرانی به بلغارستان



فرید قدمی، نویسنده و مترجم ایرانی، سال ۲۰۱۹ نویسنده مهمان کشور بلغارستان است. او یکی از ۱۴ نویسنده‌ای است که از سراسر جهان به دعوت خانه ادبیات صوفیه به این کشور دعوت شده‌اند. قدمی به مهر گفته در پروژه‌ای طولانی تصمیم دارد درباره شهرهای مختلف جهان رمان‌هایی اتوبیوگرافیک بنویسد و همچنین از این فرصت استفاده کند تا با ادبیات و هنر بلغاری آشنایی بیشتری پیدا کند. علاوه بر بیش از ۳۰ عنوان ترجمه، از قدمی تا امروز چهار رمان و دو کتاب در حوزه نقد هم منتشر شده است.

صدرنشینی خانم هیلدر برند

با ورود «تایستان سال ۱۹۶۹» رمان جدید هیلدر برند به فهرست پرفروش‌های نیویورک‌تایمز، «جایی که خرچنگ‌ها آواز می‌خوانند» نوشته دلپا اونز که به مدت ۴۲ هفته در فهرست پرفروش‌های نیویورک‌تایمز قرار داشت و برای مدت طولانی جایگاه اول را از آن خود کرده بود، با يك رتبه نزول در جایگاه دوم قرار گرفت.

۳۵

شاید باورتان نشود اما این تعداد مترجمانی است که در ایران داستان «پیرمرد و دریا»ی ارنست همینگوی را ترجمه و منتشر کرده‌اند



در آستانه سالمرگ ارنست همینگوی سراغ ترجمه‌های فارسی ۲ کتاب مشهور او در ایران رفتیم؛ «پیرمرد و دریا» و «وداع با اسلحه»

با پیرمرد چه کردیم؟!

وقتی همینگوی سال ۱۹۵۲ «پیرمرد و دریا» را در کشور کوبا منتشر کرد، فکرش را هم نمی‌کرد تا دهه‌ها بعد ساتتیاگوی پیرمرد و دریا بشود نماد امید و تلاش، پیرمردی ماهیگیر که روزی دریا قلمرو صیدش بوده، حالا در روزگار پیری می‌خواهد دوباره به دوران اوج بازگردد و بزرگ‌ترین صید عمرش را به دام بیندازد.

حالا و با گذر ۶۷ سال پیرمرد و دریا برای اغلب کتابخوانان جهان نامی آشناست، حتی آنها هم که خیلی اهل کتاب و مطالعه نیستند، به احتمال زیاد نامش را شنیده‌اند و می‌دانند این رمان کوتاه یکی از شاهکارهای ادبیات داستانی جهان محسوب می‌شود. کتابی که گفته می‌شود یکی از دلایل عمده اهدای جایزه ادبی نوبل سال ۱۹۵۴ به این نویسنده بوده است.



زینب مرتضایی فرد
ادبیات و هنر

فهرست بلندبالای مترجمان پیرمرد و دریا

شاید فکر کنید وقتی می‌گوییم سی و چند نفر رفته‌اند سراغ ترجمه کتاب، شوخی می‌کنیم یا طبق برخی تصورات غلط در حال شلوغ‌بازی رسانه‌ای هستیم! پس اسم مترجمان را فارغ از هر گونه تقدم و تاخر و به ترتیب حروف الفبا می‌نویسیم تا ببینید اوضاع از چه قرار است.

پیمان آذرباد، سودابه آشا، مهدی افشار، بهرامی حران، کیومرث پارسای، کامران پروانه، یونس تاسه، افشین تیمی، نفیسه توکلی، فاطمه جمالی، بهزاد جنت‌سرای نمین، آرا جواهری، فرزاد حبیبی‌اصفهانی، مرضیه سادات حسینی آذر حمید خاوری، نجف دریابندری، حمیدرضا رضایی، فاطمه سرباز، مرتضی سعیدی‌تبار، داریوش شاهین، مهناز صادقی، نسرین صالحی، فاطمه عبدی‌زاده، علی‌اکبر عبداللهی، نازی عظیمیا، محمدتقی فرامرزی، سمانه فلاح، عباس کریمی‌فر، ناصر منظوری، زهرا موسی‌پور نواجردی، بیتا ناصری، حسن نجفی، مهدی نصیری‌دهقان، محمد حسن نعیمی و سعید و محمد هاشمی. همین فهرست بلندبالا که نوشتن و مرتب‌کردنش هم کلی زمان برد، نشان می‌دهد اوضاع ترجمه کتاب‌های همینگوی در ایران چگونه است.

۷ مترجم برای «وداع با اسلحه»

البته ما سراغ «وداع با اسلحه» هم رفتیم، دیگر کتاب شناخته‌شده همینگوی در ایران. این اثر علاوه بر نجف دریابندری؛ مهدی افشار، مجید امینی، کیومرث پارسای، هانیه چوپانی، هاجر زینی‌وند و ر. مرعشی ترجمه کرده‌اند. اگر سراغ دیگر کتاب‌های همینگوی هم برویم با همین بلیشورویه‌رو خواهیم شد، این‌که هر شخصی می‌تواند کتابی را برای ترجمه انتخاب کرده و به‌راحتی آن‌طور که دلش می‌خواهد در ترجمه با آن برخورد کند، از طرف دیگر هر ناشری هم می‌تواند با خیال راحت کتابی را که به او ارائه می‌شود منتشر کرده و ابدا ادغغه این‌را که مترجم و ناشر دیگری قبل‌تر روی آن کتاب سرمایه‌گذاری کرده نداشته باشد! شما اسمش را جز يك بلیشوی بزرگ که ایران را در سطح جهان هم بدنام کرده است، چه می‌گذارید؟ و این‌که می‌شود کمی به جناب همینگوی فکر کرد و گفت چه کردیم با تو همینگوی؟!

داستان تکراری بی‌قانونی

کمتر از يك ماه پیش هم بر سر دعوای میان ناشران و ماجرای داشتن ناشر رسمی برای انتشار آثار اورهان پاموک، نویسنده ترك در ایران رفتیم سراغ ترجمه‌های انجام‌شده از آثار این نویسنده در ایران و ماجرا را بررسی کردیم. ماجرای که برای هر نویسنده پرمخاطبی در ایران رخ داده و ناشران و نویسندگان چه بلاها که بر سر او و آثارش نیاورده‌اند!



رمان کوتاه یعنی چه؟

پیرمرد و دریا را رمان کوتاه می‌دانند، چون به فصل‌ها یا قسمت‌های جدا تقسیم نشده و علاوه‌بر این فقط اندکی از يك داستان کوتاه بلندتر است. این اثر اولین بار در شماره اول سپتامبر ۱۹۵۲ مجله لایف منتشر و باعث شد ظرف فقط دو روز بیش از پنج میلیون نسخه از این مجله فروش رفت. نقدهایی که درباره این داستان نوشته شده همگی بدون استثنا و به‌طور اغراق‌آمیزی مثبت بودند. هرچند بعدها تعداد کمی نقد مخالف نیز نوشته شد که نویسندگان‌شان زیاد با پیرمرد و دریا میانه خوبی نداشتند و به آن خرده می‌گرفتند!

ورود کتاب به ایران

همینگوی با کتاب زندگی خوش و کوتاه فرنیسیس مک‌میر به ترجمه ابراهیم گلستان به ایران ورود می‌کند، اما بعدتر با مترجمان دیگری شناسانده می‌شود. همین کتاب مورد بحثمان پیرمرد و دریا در سال ۱۳۳۲ یعنی يك سال پس از انتشار آن در کوبا توسط م.ح. یحیی‌وی و در نشر امیرکبیر منتشر می‌شود. در ادامه پرویز داریوش، رحیم نامور و دیگران آرام آرام سراغ همینگوی می‌روند و ماندگارترین ترجمه پیرمرد و دریا توسط نجف دریابندری که از سال ۶۳ و توسط نشر خوارزمی روانه بازار کتاب شده، بهترین و محبوب‌ترین این ترجمه‌هاست. تا حدی که اهالی فن می‌گویند ترجمه خوب دریابندری حجت را تمام کرده و او حق داستان را در ترجمه خود کاملاً ادا کرده است. احمد پوری - که خود در ترجمه شعر شناخته شده است - دریابندری را یکی از بزرگ‌ترین مترجمان ما تا امروز می‌داند و ترجمه او را از پیرمرد و دریا از جمله بهترین ترجمه‌های همینگوی به‌فارسی نام می‌برد.

بلیشوی ناتمام ترجمه‌ها

حالا اگر فکر کنید با حساب این حرف‌ها ترجمه پیرمرد و دریا به همین کار دریابندری ختم شده و دیگران گفته‌اند، چرا بعد از ترجمه به این خوبی برویم سراغ کتاب، سخت در اشتباهید. بلیشوی ترجمه که در گزارش قبلی‌مان هم مورد بررسی قرار گرفته بود و نشان می‌داد ما ایرانی‌ها بی ضابطگی‌های نشرمان چه بر سر آثار اورهان پاموک آورده‌ایم، اینجا هم خیلی جدی دیده می‌شود، هم کتاب قدیمی‌تر است و فرصت بیشتری بوده و هم قلم روان جناب همینگوی که تجربه روزنامه نگاری هم داشته و همین بر روان بودن جمله‌ها و قلمش تاثیر گذاشته، موجب شده خیلی‌ها فکر کنند چه گزینه‌ای بهتر از آثار همینگوی برای مترجم‌شدن.

طبق آنچه در سایت کتابخانه ملی جست‌وجو کردیم، ۳۵ مترجم سراغ ترجمه این رمان کوتاه همینگوی رفته‌اند. طبق گزارش‌های موجود هم فقط سه ترجمه مربوط به سال‌های قبل از پیروزی انقلاب است و ۳۲ ترجمه در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب منتشر شده‌اند. هر چند این موضوع نشان از رشد بالای تعداد مترجمان ایرانی طی سه دهه گذشته دارد، اما از طرف دیگر بی‌ضابطگی انتشار کتاب‌های ترجمه در ایران را یادآوری می‌کند.

پیرمرد و دریای آنها و ما

۱۹۵۲

پیرمرد و دریا اولین بار در شماره یکم سپتامبر ۱۹۵۲ مجله لایف منتشر شد و باعث شد ظرف دو روز بیش از پنج میلیون نسخه از این مجله فروش برود. اندکی بعد هم در قالب کتاب در کشور کوبا منتشر شد.

۱۹۵۳

ترجمه فارسی رمان پیرمرد و دریا سال ۱۳۳۲ به قلم م.ح. یحیی‌وی و در نشر امیرکبیر منتشر شد. یعنی تنها یک سال پیش از انتشار نسخه اصلی کتاب؛ عجب سرعت و دستاوردی!



دارای مجوز از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی
شماره پروانه ۱۰۰/۱۱۰۰

۱۰۰٪ معتبر

خرید سیم‌کارت دائمی همراه اول با قیمت ۱۰۰ هزار تومان

مهلت فقط تا پایان شهریور ماه